

**Analysis of Secularization in the Islamic World from
the Perspective of Ayatollah Khamenei**

Received: 07/09/2021 Accepted: 08/03/2022

Mehdi Naderi*

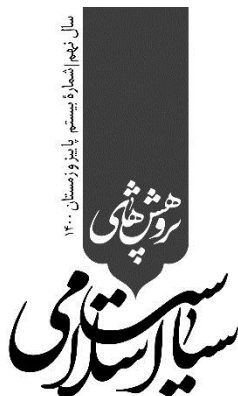
(12-42)

This article seeks to answer the main question by adopting the approach of Thomas Springs and based on the method of qualitative content analysis: "What are the causes of the crisis of secularization of the Islamic world regarding Ayatollah Khamenei's view, and what will be the way out of the secularization of the Islamic world and reaching the desired situation?" The research findings emphasize several points: One. In Ayatollah Khamenei's view, the secularization of the Islamic world is a transverse rather than an inherent phenomenon, and this is more influenced by voluntary to involuntary factors. Therefore, it is possible to change the current situation to the desired situation .

Two. In this view, beyond the position of proof, in the position of proving the efficiency of the Islamic political system is the most important factor in preventing and expanding the influence of secularism in the Islamic world. In this regard, the occurrence of the Islamic Revolution, the formation of the Islamic Republic and the adoption of the goals of civilization - the new Islamic civilization - is a path against the process of secularization of the Islamic world, whose impact on the domestic environment as well as Islamists such as Hezbollah, Lebanon and Al-Houthi Yemen, And Iraq can be seen.

Keywords: Islamic world, Secularization, Islamic Revolution, Political Islam, Ayatollah Khamenei.

*. Assistant Professor of Political Science, Shahed University, Tehran, Iran, m.naderi@shahed.ac.ir



تحلیل عرفی شدن در جهان اسلام از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

* مهدی نادری

(۱۲-۴۲)

چکیده

امکان یا امتناع عرفی شدن جهان اسلام از دغدغه‌های اصلی متفکران مسلمان در قرن معاصر است. در راستای اهمیت این امر، این نوشتار با اتخاذ رویکرد توماس اسپرینگتز و بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی، درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است: «علل بحران عرفی شدن جهان اسلام ناظر بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست و برون‌رفت از عرفی شدن جهان اسلام و رسیدن به وضعیت مطلوب چگونه خواهد بود؟». یافته‌های پژوهش بر نکاتی چند تأکید دارد: یک، در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای عرفی شدن جهان اسلام پدیده‌ای عرضی نه ذاتی بوده، این امر بیشتر تحت تأثیر عوامل ارادی تا غیرارادی است. از این رو، امکان تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب وجود دارد؛ دو، در این نگاه فراتر از مقام ثبوت، در مقام اثبات کارآمدی نظام سیاسی اسلام مهم‌ترین عامل در جلوگیری از گسترش نفوذ سکولاریسم در جهان اسلام است. در این راستا، وقوع انقلاب اسلامی، تشکیل نظام جمهوری اسلامی و در پیش گرفتن اهداف تمدنی - تمدن نوین اسلامی - مسیری خلاف روند عرفی شدن جهان اسلام است که تأثیر و تأثرات آن را در محیط داخلی و همچنین جریان‌های اسلام‌گرا نظیر حزب‌الله لبنان، الحوثی یمن و حشد الشعبی عراق می‌توان دید.

واژگان کلیدی: جهان اسلام، عرفی شدن، انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای.

مقدمه

چارلز تیلور در کتاب عصر سکولار بر این مدعا تأکید دارد که جهان در قرن بیستم سکولار شده است یا در مسیر سکولار شدن قرار دارد (Taylor, 2007). دلایل عقلی و تجربه‌عینی تا حد درخور توجهی بر مدعای تیلور صحه می‌گذارد؛ اما باید توجه کرد که در شرق جهان، با وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، مسیری خلاف مدعای تیلور در حال ایجاد شدن است و به نظر می‌رسد نهضت‌ها و جریان‌های اسلام‌گرا نظیر حزب‌الله لبنان، الحوثی یمن و حشد الشعبی عراق تأثیر شایانی از آن پذیرفته‌اند. نهضت اسلامی در ایران معاصر به صورت خاص از دههٔ چهل شمسی، نقد سکولاریسم و مبارزه با آن را با رهبری امام خمینی علیه السلام سرلوحهٔ برنامهٔ مبارزاتی و انقلابی ضد رژیم پهلوی قرار داد و این خواسته (اسلام‌گرایی) در شعار اصلی انقلابی‌های ایران یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» نمود یافت و در نهایت، با وقوع انقلاب اسلامی و فراندوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، به صورت رسمی از سوی ملت ایران پذیرفته شد. باین حال، متفکران مسلمان دو دیدگاه کلی دربارهٔ وضعیت عرفی شدن در جهان اسلام دارند: گروهی از این متفکران بر این نکته تأکید دارند که جهان اسلام فرجامی جز سکولار شدن در پیش رو نخواهد داشت. از این رو، می‌کوشند با خوانش سکولاریستی از اسلام، قرائتی عصری از اسلام همسو با اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر ارائه دهند (ر. ک. سروش، ۱۳۷۸؛ جابری، ۱۳۹۸)؛ به عکس، گروهی دیگر از متفکران مسلمان بر این نکته تأکید دارند که عرفی شدن یا بودن جهان اسلام وضعیت ذاتی نبوده، بلکه عرضی و ناشی از عملکرد و تابع احوال و شرایط خاصی بوده است. از این رو، می‌توان با آن مقابله کرد و وضعیت کنونی را تغییر داد (ر. ک. موسوی خمینی، ۱۳۸۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶).

نظر به نقش و جایگاه جمهوری اسلامی در ژئوپلیتیک جهان اسلام و اینکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، از متفکران و فعالان سیاسی اثرگذار در جهان اسلام‌اند، بررسی مسئلهٔ وضعیت عرفی شدن جهان اسلام از نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای لازم و ضروری است، که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود.

هدف اصلی این مقاله اولاً فهم و شناخت نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای دربارهٔ مسئلهٔ عرفی

شدن جهان اسلام و ثانیاً شناخت علل، پیامدها و موانع این چالش بنیادین است. ازاین‌رو، پرسش پژوهش‌ناظر بر نظریه‌توماس اسپریگنز چنین است: علل بحران عرفی شدن جهان اسلام ناظر بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست و برون‌رفت از عرفی شدن جهان اسلام و رسیدن به وضعیت مطلوب چگونه خواهد بود؟

پیشینه پژوهش

در باره مسئله سکولاریسم تحقیقات گسترده‌ای انجام شده، اما به‌صورت خاص آثار معدودی با موضوع سکولار شدن انتشار یافته است. به‌عنوان مثال، می‌توان به چند نویسنده اشاره کرد که به‌صورت خاص به مسئله سکولار شدن توجه کرده‌اند: محمدمسعود سعیدی (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان تبیین نظری سکولار شدن در جامعه ایران معاصر، و همچنین ایشان (۱۳۹۴) در کتابی دیگر با عنوان سکولار شدن مفاهیم، تحلیل‌های نظری و راهکارهایی برای مقابله؛ هادی جلیلی (۱۳۹۳) در کتابی با عنوان تأملاتی جامعه‌شناسانه درباره سکولار شدن؛ استیو بروس (۱۳۸۷) در کتابی با عنوان مدل سکولار شدن غرب؛ جعفر سبحانی (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان عرفی شدن دین؛ علیرضا شجاعی زند (۱۳۸۱) در کتابی با عنوان عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی.

این مقاله از چند حیث در مقایسه با آثار منتشرشده دارای نوآوری است: ۱. مسئله سکولار شدن در جهان اسلام را ناظر بر زمینه و زمانه انقلاب اسلامی بررسی می‌کند. ازاین‌رو، صرفاً اندیشه‌ای نیست، بلکه نگاهی جامعه‌شناختی نیز به مسئله سکولاریسم دارد؛ ۲. تاکنون مقاله‌ای درباره مسئله سکولار شدن در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان متفکر و اثرگذار فعال سیاسی در جهان اسلام منتشر نشده است.

ملاحظات نظری

۱. ماهیت و زمینه‌ها

سکولاریسم و اصطلاحات مرتبط با آن یعنی سکولار، سکولاریته و سکولاریزاسیون، مفاهیمی مبهم‌اند که در بافت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مختلف، برداشت‌های

متنوعی از آن‌ها شده است. با این حال، باید توجه کرد که معانی مختلفی از آن‌ها به ذهن متبادر می‌شود. سکولار^۱ به معنای غیردینی، بی‌طرفی در قبال دین، تفکیک امر دینی از دنیایی و عدم ارجاع و استناد به خداوند است. سکولاریزاسیون^۲ در واقع طرح یا برنامه‌ای هدفمند و تاریخمند است که بر اساس آن، جامعه و اجتماع انسانی به سمت جدایی و استقلال از دین حرکت می‌کند یا حرکت داده می‌شود. سکولاریسم^۳ باور و نگرشی همسو و موافق با چنین حرکت و فرایندی است. سکولاریته^۴ موقعیت، وضعیت و حالت غیردینی بودن و بی‌طرفی در قبال امر دینی و متعالی و سامان‌دهی و سامان‌یافتن عرصه عمومی و اجتماعی بدون اتکا و ارجاع به خداوند است (هاشمی، ۱۳۹۶: ۱).

عرفی شدن فرایندی است که طی آن جایگاه، اهمیت و نقش دین در نزد فرد و جامعه تنزل می‌یابد و برداشت‌های صرفاً دنیوی از تعالیم و غایات دینی مرسوم می‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۵: ۳۳). به باور بروس، عرفی شدن وضعیتی اجتماعی است که در آن اولاً اهمیت دین برای اداره نقش‌ها و نهادهای غیردینی کاهش می‌یابد؛ ثانیاً نقش‌ها و نهادهای دینی دچار کاهش اعتبار اجتماعی می‌شوند؛ ثالثاً مردم در مسیر مبادرت به بازنمایی عقاید و اعمال دینی و نیز تنظیم کردن دیگر جنبه‌های زندگی با روش دینی تا حد درخور توجهی، از راه و رسم زندگی دینی فاصله می‌گیرند (امامی، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

سکولاریسم ساحت‌های گوناگونی دارد و ابعاد مختلف زندگی انسانی را دربرمی‌گیرد: در ساحت فلسفه بر عدم توجه به دین در تبیین پدیده‌های طبیعی، اجتماعی و انسانی، در ساحت الهیات بر عدم ارتباط دین و دنیا و عدم نقش آفرینی باورهای ماورایی در زندگی روزمره، در ساحت سیاسی به بی‌ارتباطی دین از سیاست و جدایی دین از دولت، و در ساحت اجتماعی به منفک بودن رابطه دین و آموزه‌های وحیانی در شکل‌گیری روابط انسانی تأکید دارد. در واقع، سکولاریسم اجتماعی عینی‌ترین و تجربی‌ترین ساحت سکولاریسم، و

1. Secular.

2. Secularisation.

3. Secularism.

4. Secularity.

مدعای اصلی آن تأکید بر بهره‌مندی بشر از قدرت تفکر و بلوغ عقلانیت و عدم نیاز به منشأ و مرجع دینی در اداره جامعه است (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

سکولاریسم در جهان جدید مسیحی، ریشه در زمینه و زمانه حاکمیت کلیسا و بنای متروک قرون وسطا دارد. عوامل دینی همچون عدم نظریه حکومت و گزاره‌هایی دال بر جدایی دین از حکومت در کتاب مقدس، جزم‌گرایی، تحجر، تفتیش و تکفیر عقاید و همچنین عوامل معرفتی متأثر از تحولات جدید عصر روشنگری و رنسانس همچون پیدایش مکاتبی چون اومانیزم، ساینسیسم، پوزیتیویسم، راسیونالیسم، لیبرالیسم و پلورالیسم در کنار عوامل تاریخی، اجتماعی و سیاسی نظیر ظهور و نقش طبقه بورژوازی و سرمایه‌داری، تلاش پادشاهان برای تضعیف کلیسا، فساد همه‌جانبه کلیسا و ظهور نظم سیاسی وستفالیایی (دولت‌ملت) در پیدایش و پایایی آن ایفای نقش کرده‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۶۵).

در جهان اسلام الغای نظام خلافت توسط مجلس ملی ترکیه (۱۹۲۴م) به‌منزله فروپاشی نظم سیاسی جامعه سنتی و تلاش اصلاحی متفکرانی چون رفاعة طهطاوی (1801-1873م) و خیرالدین پاشا (1810-1899م)، در راستای برون‌رفت از عقب‌ماندگی جهان اسلام و راهکارهای تجویزی آنها بود. گرچه متفکرانی چون رشید رضا (1865-1935م) مصادف با الغای خلافت، کوشیدند دوباره احیای خلافت را در قالب حکومت اسلامی در کتاب الخلفه او الامامه العظمی پی بگیرند، جریان فکری موازی با محوریت علی عبدالرزاق (1877-1966م) تلاش کردن سکولاریسم اسلامی را در کتاب الاسلام و الاصول الحکم نهادینه کرد. جریان فکری سکولاریسم اسلامی در صدد اسلامی کردن سکولاریسم بود و بر این نکته تأکید داشت که با مراجعه به متون دینی، می‌توان سکولاریسم را استنباط کرد (میراحمدی، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۶۷). باید توجه کرد که روند فکری جریان سکولاریسم در اقصانقاط جهان اسلام قبل‌تر از علی عبدالرزاق سابقه دارد. در عصر مشروطه ایرانی، متفکرانی چون ملک‌خان، فتحعلی آخوندزاده و آقاخان کرمانی پیش‌قراول شکل‌گیری و پیدایش سکولاریست ایرانی بودند (مریجی، ۱۳۸۴: ۲۵۰). بعدها نواندیشان دینی در دوره جمهوری اسلامی در سپهر نظر و عرصه عمل به جانب‌داری از سکولاریسم

تحلیل عرفی شدن در جهان اسلام از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام - مهدی نادری (۴۲-۱۲) / ۱۷

پرداختند (اکبری و نادری، ۱۳۹۸: ۳۰-۴۰). این در حالی بود که از لحاظ تئوریک، انگاره سکولاریسم در نگاه متفکران ایرانی از جنبه صرفاً فنی و تجویزی در دوره مشروطه به امری معرفتی و شناختی تغییر ماهیت داده بود. در عرصه عمل، آتاترک با جای‌گزینی الگوی «جمهوری» در کشور تازه‌تأسیس ترکیه، روند مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون را رسماً و علناً در پیش گرفت و حاکمان دیگر جهان اسلام چون رضاشاه با رویکردی تقلیدمآبانه، کوشیدند از این روند و قافله جهانی عقب نمانند.

۲. چهارچوب نظری

فهم و درک مسئله سکولاریسم در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه ممکن است؟ توماس اسپریگنز در کتاب فهم نظریه سیاسی، بر این باور است که نظریات سیاسی و اجتماعی در «واکنش به یک درهم‌ریختگی و یا خطر درهم‌ریختگی نظم مدنی» مطرح شده‌اند (اسپریگنز، ۱۳۸۰: ۶۶-۵۹). از این رو، بر این نکته تأکید دارد که فرایند نظریه‌پردازی و فهم آن برای مخاطب امروزی، کم‌وبیش مراحل چهارگانه یکسانی را دنبال می‌کند. بنابراین، از یک سو، متفکر سیاسی و اجتماعی در روند نظریه‌پردازی چهار گام را دنبال می‌کند: گام اول، مشاهده بحران و بی‌نظمی؛ گام دوم، تشخیص درد؛ گام سوم، بازسازی جامعه مطلوب؛ گام چهارم، تجویز درمان؛ از سوی دیگر، مخاطبان برای فهم نظریه سیاسی و اجتماعی متفکران، می‌باید این چهار گام را در دیدگاه متفکران شناسایی کنند (ر. ک. اسپریگنز، ۱۳۸۰). بر مبنای این چهارچوب، به نظر می‌رسد در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای همچون سایر متفکران اسلام‌گرا، عرفی شدن یا بودن جهان اسلام به‌مثابه بنیادی‌ترین بحران‌های فکری-عملی جهان اسلام به‌شمار می‌آید (گام اول). در این راستا آیت‌الله خامنه‌ای تلاش کرده‌اند به بررسی علل و ریشه‌های بحران مذکور بپردازند، که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود (گام دوم). جامعه مطلوب و آرمانی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، جامعه دینی مبتنی بر حکومت اسلامی است (گام سوم). در نهایت، در دیدگاه رهبر انقلاب، جلوگیری از وضعیت عرفی جهان اسلام امری ممکن است که از طریق باور عملی به اسلام سیاسی و کاربست آن ممکن است (گام چهارم).

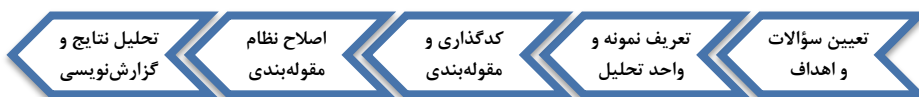
باید توجه کرد که عوامل عرفی شدن جوامع به دو طیف ارادی و غیرارادی تقسیم‌پذیر است: منظور از عوامل ارادی، نقش مختار و انتخابی انسان در روند عرفی شدن جوامع است. متفکرانی عامدانه در لباس نظریه‌پردازی در قالب نیت‌هایی چون دفاع از دین، نجات ایمان و نجات دین از مفاسد حکومت‌داری، می‌کوشند در سپهر نظر، وجهه عرفی شدن جامعه را محقق سازند. تجلی این عوامل ارادی را می‌توان در جریان‌ات روشن‌فکری مدافع مدرنیسم، سکولاریسم و لیبرالیسم در ایران و جهان اسلام پیگیری کرد. منظور از عوامل غیرارادی عرفی شدن جوامع، عواملی است که به‌صورت ناخواسته می‌تواند اسباب عرفی شدن را رقم زند. مصادیق عوامل غیرارادی را می‌توان در دیدگاه‌هایی دید که مسئله عرفی شدن جوامع را ناشی از نوسازی و توسعه، جهانی شدن، رقابتی شدن بازار پیروی، تمایزیابی ساختی، تشکیل حکومت دینی و ناکارآمدی مطرح می‌کنند (داوری، ۱۳۸۸: ۱۷۲-۱۷۴). به‌نظر می‌رسد در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، عرفی شدن جهان اسلام ناشی از عوامل ارادی و غیرارادی است که البته می‌توان در مقابل آن ایستاد و شرایط را به نفع اسلام سیاسی تغییر داد.

روش تحقیق

تحلیل محتوای کیفی به شکل کنونی آن توسط میرینگ در سال ۱۹۸۰ مطرح شد (Mayring, 2000: 1). تحلیل محتوا در تعریفی جامع به اعتقاد هلستی،^۱ روشی است که «به کمک آن ویژگی‌های خاص پیام‌ها را به‌طور نظام‌یافته و عینی» شناسایی می‌کنند (به نقل از: فرانکفورد و نچمیاس، ۱۳۸۱: ۴۶۹-۴۷۰). در این روش، پژوهشگر «به جای تمرکز بر محصول نهایی یا پیام‌های تولیدشده، بر فرایند تولید پیام با مضمون اجتماعی متون» تأکید دارد و مؤلف را فاعل خودآگاهی لحاظ می‌کند (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۳۷۷). تحلیل محتوای کیفی روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی داده‌های متنی است و غالباً به دلیل آنکه در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد، پژوهشگران به‌منظور نظریه‌پردازی نه آزمون نظریه از آن استفاده می‌کنند. معمولاً زمانی محققان از تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌کنند که با حجم گسترده‌ای از داده‌های خام متنی مواجه‌اند و تجزیه و تحلیل منجر به توصیف و تفسیر

1. Holsti.

داده‌های پنهان و آشکار متن و بعضاً نظریه‌پردازی می‌شود (ایمانی و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۲). در میان فرایندهای تحلیل محتوای کیفی میرینگ، دو رویکرد «نظام مقوله‌ای استقرایی» و «نظام مقوله‌ای قیاسی» از رویکردهای اصلی برای بسط و توسعه نظام مقوله‌ای و یافتن اجزای متنی مناسب است (پیربدافی، ۱۳۸۸: ۳۰). مراحل پیشبرد روش تحلیل محتوای کیفی در این ترسیم قابل مشاهده است:



نمواد شماره ۱: منطق پیشبرد پژوهش

باتوجه به مسئله پژوهش، در این مقاله از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در راستای کاربست روش، با در نظر گرفتن پرسش‌ها و اهداف تحقیق، «نمونه‌گیری هدفمند» به منظور گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها انتخاب شد. از مجموعه بیانات و پیام‌های رهبر معظم انقلاب از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۹، تعداد ۴۴ سخنرانی و پیام به صورت مستقیم به مسئله سکولاریسم اشاره کرده‌اند که در قالب تعبیری چون جدایی دین از سیاست، اسلام منهای سیاست، اسلام منهای روحانیت، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام سیاسی انعکاس یافته‌اند. در راستای روایی و پایایی، ضمن نوشتن پروتکل جمع‌آوری داده‌ها و فرایند تحلیل و کدگذاری، بررسی و درگیری طولانی مدتی با داده‌ها به صورت رفت و برگشت (جزء به کل و به عکس) انجام گرفت تا کفایت نظری حاصل شد. برای اتقان بیشتر، همچنین گفت‌وگوهایی با کارشناسان انجام گرفت و نظرهای آنان در روند پیشبرد تحقیق استفاده شد.

سازمان دهی و پیشبرد تحقیق

۱. تجزیه داده‌ها و استخراج مفاهیم

در گام نخست، تلاش شد با خوانش متن و رفت و آمد مکرر، حجم عظیم داده در قالب مفاهیم استخراج، و معنای متن شناسایی شود. برای این منظور، از «مضمون» به عنوان واحد

تحلیل متن استفاده شد. مضمون معنای خاصی است که از یک کلمه، عبارت، جمله و پاراگراف مستفاد می‌شود. از این رو، مجموع کدهای مرتبط با مسئله سکولاریسم در دیدگاه رهبر ۷۸ مورد بود که شناسایی، استخراج و کدگذاری شدند (مطابق جدول ۱). در نظام کدگذاری، علامت اختصاری p در معنای نکات کلیدی (POINT) و اعدادی که بعد از آن می‌آید بیانگر شماره نکاتی است که از آن متن، استخراج شده است. به‌عنوان مثال، کد P43 بیانگر نکته کلیدی شماره ۴۳ است که از دیدگاه رهبر معظم انقلاب (بیانات و پیام‌ها) استنباط شده است. با توجه به اینکه ذکر تمام کدها فراتر از حد متعارف و مجاز حجم مقاله در این نوشتار خواهد بود، در جدول، کدهای تکراری حذف و تنها به ذکر کدهایی بسنده شده است که معرف کل دیدگاه رهبر باشند.

جدول شماره ۱: یافته‌های پژوهش: نمونه‌هایی از روند تجزیه

و تحلیل داده‌ها و کدگذاری مسئله سکولاریسم در دیدگاه رهبر

شناسه کد	داده‌های متنی	مفاهیم مستخرج	مقوله
P1	«حج این خصوصیت را هم داراست که مظهر آمیختگی معنویت و سیاست، معنویت و مادیت، و دنیا و آخرت است» (بیانات ۱۳۹۷/۴/۲۵).	حج مظهر آمیختگی دنیا و آخرت	حج یکی از مصادیق عینیت دیانت و سیاست
P2	«وقتی جمهوری اسلامی به وجود آمد و انقلاب اسلامی شد، این حرف‌ها همه باطل شد. معلوم شد که نخیر، اسلام می‌تواند میدان سیاست را... به بهترین وجهی اداره کند» (بیانات ۱۳۹۷/۴/۲۵).	انقلاب اسلامی بطلانی بر طرفداران نگرش جدایی دین از سیاست	جمهوری اسلامی نمود بیرونی حکومت غیرسکولار
P3	«آیات قرآن... همه سیاست‌هایی است که متعلق به اسلام است. مردم‌سالاری اسلامی هم که ما گفتیم، متخذ از متن اسلام و متن قرآن است» (بیانات ۱۳۹۷/۴/۲۵).	احکام جهاد و حج در قرآن حکایت از حاکمیت اسلامی	نقد سکولاریسم در قرآن
P4	«یکی از توصیه‌های اساسی‌ای که	ترویج دکترین	عوامل و

شناسه کد	داده‌های متنی	مفاهیم مستخرج	مقوله
	هیئت‌های اندیشه‌ورز امریکایی و انگلیسی دور هم می‌نشینند... این است که می‌گویند با دین سیاسی باید مخالفت کرد» (بیانات ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).	جدایی دین از سیاست از سوی دشمنان	ابزارهای تبلیغ و ترویج سکولاریسم
P6	«سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد» (بیانات ۱۳۹۵/۵/۳۱).	معنای سکولاریسم عدم ورود دین در امر جمعی	ماهیت سکولاریسم
P7	«از اسلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است» (بیانات ۱۳۹۵/۵/۳۱).	هراس دشمنان از اسلام سیاسی	علل ترویج سکولاریسم
P8	«یک سنگر دیگر از سنگرهای دشمن جدایی دین از سیاست بود» (بیانات ۱۳۹۵/۱/۱).	تلاش دشمنان برای باوراندن جدایی دین از سیاست	عوامل و ابزار ترویج سکولاریسم
P9	«پیغمبر اکرم ﷺ اولین کاری که در مدینه کرد، حکومت تشکیل داد» (بیانات ۱۳۹۵/۱/۱).	سیره پیامبر ﷺ نقد سکولاریسم	نقد سکولاریسم
P10	«اسلام‌گرایی با صفاتی چون ضد صهیونیستی بودن، ضد دیکتاتوری بودن، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی و پیشرفت‌طلبی در سایه قرآن، مسیر محتوم و اراده قاطع همه ملت‌های مسلمان خواهد بود» (بیانات ۱۳۹۰/۱۱/۴).	اسلام‌گرایی سرنوشت محتوم جهان اسلام	راهکار مقابله با سکولاریسم و پیامدهای آن
P15	«اگر سیاست از اخلاق و معنویت جدا شد، آن وقت سیاست‌ورزی می‌شود؛ یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش	قدرت‌طلبی و دنیاگرایی پیامد سکولاریسم	پیامد سکولاریسم

شناسه کد	داده‌های متنی	مفاهیم مستخرج	مقوله
	بردن کار خود در دنیا» (بیانات ۱۳۸۸/۶/۲۰).		
P16	«از خطرهای جدایی دین از سیاست... همین است که وقتی سیاست از دین جدا شد، از اخلاق و معنویت جدا خواهد شد» (بیانات ۱۳۸۸/۶/۲۰).	عدم اخلاق‌گرایی پیامد سکولاریسم	پیامد سکولاریسم
p18	«علت دشمنی عمیق و آشتی‌ناپذیر استکبار و در رأس آن‌ها امریکا و شبکه صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی... نفی سکولاریسم اخلاقی...» (بیانات ۱۳۸۷/۹/۲۴).	نفی سکولاریسم در جمهوری اسلامی دلیل دشمنی استکبار	علل دشمنی با جمهوری اسلامی
p19	«تلاش‌های زیادی شده است برای اینکه جمهوری اسلامی را از روح و معنای خودش خارج کنند... در مطبوعات ما رسماً، علناً، جدایی و تفکیک دین از سیاست را اعلان کردند» (بیانات ۱۳۸۷/۹/۲۴).	تلاش‌های گوناگون برای سکولار کردن جمهوری اسلامی	تداوم تلاش‌های دشمنان برای ترویج سکولاریسم
p20	«گرایش‌های سکولاریستی که متأسفانه باز داشت در بدنه مجموعه مدیران کشور نفوذ می‌کرد، جلوی گرفته شد» (بیانات ۱۳۸۷/۶/۲).	نفوذ گرایش‌های سکولاریستی در مدیران کشور و جلوگیری از آن‌ها	نفوذ سکولاریسم در مدیریت اجرایی کشور
p29	«جوهر اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، رابطه دین و دنیا است» (بیانات ۱۳۸۴/۳/۴).	نقد سکولاریسم جوهر اصلی مکتب امام	نقد سکولاریسم از اصول مکتب امام
p30	«اینکه انسان در منبرهای درجه یک جهان روی عدم تفکیک دین از سیاست متمرکز شود، یعنی درست سر اصل مطلب رفته است» (بیانات ۱۳۸۴/۰۳/۱۴).	ضرورت نفی سکولاریسم در صحنه بین‌المللی	مقابله با سکولاریسم در عرصه‌های بین‌المللی

شناسه کد	داده‌های متنی	مفاهیم مستخرج	مقوله
p32	«شوخی نیست. امروز ۱۵۰ سال است که برجسته‌ترین و شریف‌ترین عناصر سیاسی و دینی ملت ما پرچم حاکمیت اسلام را بلند کرده‌اند» (بیانات ۱۳۸۲/۳/۷).	تلاش صدا و پنجاه‌ساله برای نفی سکولاریسم	سابقه مبارزه ضد سکولاریسم
p33	«در فیلم‌های ما، کانه یک سکولاریزم عملی و نوعی دین‌زدایی وجود دارد» (بیانات ۱۳۸۱/۱۱/۱۵).	مصادیقی از سکولار شدن‌ها در هنر (فیلم‌ها)	مصادیق سکولاریسم
p35	«مردم و جوانان ما نگذاشتند فرمول قدیمی دشمن، در انقلاب اسلامی تحقق پیدا کند. این فرمول چیست؟ قدم اول، جدایی دستگاه سیاست و نهضت از دین و روحانیت است؛ قدم دوم، مایوس شدن مردم از تحولی که به‌وجود آمده است؛ مثل مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت» (بیانات ۱۳۸۰/۸/۲۰).	ترویج جدایی دین از دولت فرمول دشمن شکست نهضت‌های ملی از پیامدهای سکولاریسم	پیامد سکولاریسم
p45	«دفاع قاطع و آشکار نمایندگان از انقلاب و نظام اسلامی و راه روشن و ماندگار امام عظیم‌الشان، و تیرا از بلندگوهایی که با تکرار شعار ارتجاعی "جدایی دین از سیاست" در اندیشه حذف جهاد خونین بیست و چندساله ملت ایران برای استقرار نظام مترقی جمهوری اسلامی‌اند، تلاش پرهزینه دشمن را بیهوده خواهد ساخت» (بیانات ۱۳۷۹/۳/۶).	ضرورت تیرا نهاد انقلابی از شعار ارتجاعی جدایی دین از سیاست	تلاش برای نفوذ سکولاریسم در نهادهای حاکمیتی
p47	«امروزه با سر برافراشتن جمهوری اسلامی در ایران... نظریه سیاسی و اجتماعی اسلام، حقانیت و درستی خود	خنثی شدن طرح سکولاریزه کردن جهان اسلام با	انقلاب اسلامی مانعی در روند

شناسه کد	داده‌های متنی	مفاهیم مستخرج	مقوله
	را در میدان عمل به اثبات رسانده است» (بیانات ۱۳۷۷/۱۲/۲۸).	جمهوری اسلامی + اهداف سلطه‌گرایان سکولارها	سکولار شدن جهان اسلام
p49	«وسوسه جدایی دین از سیاست را که یک روز انگلیسی‌ها گفتند، یک روز امریکایی‌ها ترویج نمودند و یک روز ایادی آن‌ها در بوق کردند، برای این است که مسلمانان از این امکان و از این موقعیت غفلت کنند. در این زمینه، بیشترین وظیفه را هم خواص دارند» (بیانات ۱۳۷۶/۵/۱).	نقش خواص در خنثی کردن طرح استکبار	راهکار مقابله با سکولاریسم
p53	«وقتی که به عدم تفکیک دین از سیاست قائل هستید، پس اهل دین باید سیاست را بشناسند و آن را بفهمند و در آنجایی که میدان کار سیاسی است، فعال باشند و در آنجایی که میدان بیان احکام دینی محض است، آگاه از امر سیاسی و وضع سیاسی، آن را اعلام کنند» (بیانات ۱۳۷۶/۲/۱۳).	ضرورت حضور اهل دیانت در میدان کار سیاسی	راهکار مقابله با عرفی شدن
p54	«کسانی که با چهره طرف‌داری از دین، چنین عنوان می‌کنند که "دین نباید به امور سیاسی بپردازد"، خبر ندارند که این شگرد جدید تبلیغات استکباری و استعماری علیه حاکمیت اسلام و حیات مجدد اسلام است» (بیانات ۱۳۷۵/۲/۱۸).	استکبار و استعمار مبلغ جدایی دین از سیاست	شیوه‌های نوین ترویج سکولاریسم
p55	«حکام و سلاطین مستبد اولین پیشران فکر انحرافی "جدایی دین از سیاست"»	سلاطین و مستبدان داخلی مروج	عوامل ترویج سکولاریسم

شناسه کد	داده‌های متنی	مفاهیم مستخرج	مقوله
	محسوب می‌شوند» (بیانات ۱۳۷۵/۲/۱۸).	سکولاریسم	
p57	«استدلال کردند که "اگر دین را وارد سیاست کنیم و اگر سیاست یک کشور از دین سرچشمه و منشأ بگیرد، چون امور سیاسی و امر حکومت مشکلات دارد، دنبالش نارضایی‌ها، دل‌زدگی‌ها و ناکامی‌هاست. لذا، این امر موجب می‌شود که مردم از اصل دین بیزار شوند. پس، اصلاً دین باید به‌کل از سیاست کنار برود"» (بیانات ۱۳۷۵/۲/۱۸).	ترویج سکولاریسم در قالب‌های جدید (در قالب دفاع از دیانت)	شیوه‌های نوین ترویج سکولاریسم
p60	«مشکلات که بیشتر بر اثر کوتاهی و غفلت یا بدکرداری و خیانت از درون امت اسلامی پدید آمده است. ترویج جدایی دین از سیاست و معرفی اسلام به‌عنوان یک تجربه فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل حکومت و سیاست و اقتصاد و غیره ندارد» (بیانات ۱۳۷۵/۲/۴).	مشکلات اصلی دنیای اسلام	ترویج سکولاریسم مسئله اصلی جهان اسلام
p62	«پیغمبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> نزد پروردگار عالم عرض می‌کند: "یا رب ان قومی اتخذوا هذا القران مهجورا". هجر قرآن به چه معناست؟ ... به این معنا که قرآن در یک جامعه تلاوت شده و احترام ظاهری می‌شود، اما به احکام آن عمل نمی‌کنند و به بهانه جدایی دین از سیاست، حکومت را از قرآن سلب می‌نمایند» (بیانات ۱۳۷۳/۶/۴).	رفتار سکولاری مصداق مهجور بودن قرآن	معیار رفتار سکولار
p69	«سیاست سلطه‌گران جهانی این بوده و	تلاش استکبار برای	نفوذ

شناسه کد	داده‌های متنی	مفاهیم مستخرج	مقوله
	هست که مراکز دانش دین... را به جدایی دین از سیاست معتقد سازند. این ترفند نسبت به حوزه‌های علمیه به‌کار رفته و تأثیراتی نیز کرده بود» (بیانات ۱۳۷۱/۸/۲۴).	سکولار کردن حوزه‌های علمیه	سکولاریسم در حوزه‌ها
p73	«در دوران سلطه استکبار... دشمنان با نقشه‌های از پیش آماده‌شده، دین را در کشورهای اسلامی از صحنه زندگی راندند و شعار جدایی دین از سیاست را در این کشورها تحقق بخشیدند. نتیجه این شد که... سرنوشت سیاسی و اقتصادی آن را برای مدت‌های طولانی و جبران‌ناپذیر، به دست غارتگران غربی بدهد» (بیانات ۱۳۶۹/۳/۱۰).	غارت استعمارگران از پیامدهای سکولاریسم	پیامد سکولاریسم
p74	«از بزرگ‌ترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت، و زندگی مادی از عبادت، و دین از سیاست است» (بیانات ۱۳۶۸/۴/۱۴).	جدایی دین از سیاست بزرگ‌ترین مظهر شرک	اهمیت و ضرورت مقابله با سکولاریسم
p77	«اسلام امریکایی چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرت‌های استکباری و توجیه‌کننده اعمال آن‌هاست؛ بهانه‌ای برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان است» (بیانات ۱۳۶۸/۴/۱۴).	اسلام امریکایی طرف‌دار و مروج سکولاریسم	عوامل سکولاریسم

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۲. تحلیل داده‌ها و استنباط مقوله‌ها

گام دوم کاربست روش تحلیل محتوای کیفی، ساخت مقولات است. در فرایند مقوله‌بندی

که مسئله اصلی در تحلیل محتوای کیفی است، گزینش و تعریف مقوله‌ها باید به گونه‌ای انجام گیرد که مفاهیم مستخرج از داده‌های متنی، ذیل آن طبقه‌بندی شوند. مقوله اصطلاحی عام و دربرگیرنده چندین مضمون جزئی است. یک مقوله اصلی می‌تواند به چند مقوله فرعی تقسیم شود. به عبارتی، چند مقوله فرعی در سایه چتر یک مقوله اصلی معنا می‌یابند. مقولات باید به گونه‌ای طراحی و انتخاب شوند که ضمن منظم بودن و عمومیت داشتن، جامع و مانع باشند (مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۹-۲۱۰) و بتوانند ابعاد مختلف معنایی یک متن یا سند را توصیف و تفسیر کنند. در این راستا، با توجه به یافته‌های جداول بخش قبل، تلاش شد مقولات اصلی و فرعی شناسایی شوند. جدول بعدی بیانگر مقوله‌های اصلی و فرعی مسئله سکولاریسم در دیدگاه رهبر است. نگاهی اجمالی به جدول مذکور و تدقیق در مقولات اصلی و فرعی، بیانگر این نکته است که مسئله سکولاریسم در گفتمان فکری رهبر مسئله‌ای محوری و کلیدی است که ایشان به ابعاد و جوانب مختلف آن نظر و توجه داشته‌اند.

جدول شماره ۲: شناسایی مقوله‌های اصلی و فرعی مسئله سکولاریسم در دیدگاه رهبر

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	شناسه کدها
۱	اهمیت و ضرورت مقابله با سکولاریسم	نفی سکولاریسم جوهر اصلی مکتب امام <small>علیه السلام</small> و گفتمان اسلام ناب محمدی <small>صلی الله علیه و آله</small>	P6, p74, p74, p33, p36
		مشکل اصلی جهان اسلام و چالش نظام جمهوری اسلامی	P60, p38, p39, p23, p41
۲	عوامل و ابزار ترویج سکولاریسم	استکبار جهانی استبداد داخلی روشن‌فکران غرب‌زده	P4, p8, p19, p54, p55, p57, p78 P74, p46, p50, p52, p71, p11, p 17, p13, p12, p56, p44
		تبلیغاتی، علمی، سیاسی و مدیریتی	p70, p34, p35, p40, P66

p5,p14,p76,p18,P7	هراس از اسلام سیاسی	علل ترویج سکولاریسم	۳
p35,p16,P15 p72,p46,p27,p31,p73	عقب‌ماندگی جهان اسلام سلطه و فسادگری بیگانگان غارت ثروت و منابع شکست نهضت‌ها و قیام‌های ملی	پیامدهای سکولاریسم	۴
p74,p69,P47	سلطه بر جهان اسلام	هدف از سکولاریسم	۵
p65,p69,p45,p33,P20	حوزه‌ها و دانشگاه‌ها هنر مدیریت و حکمرانی	مصادیق سکولار شدن	۶
p66,P62	مهبجوریت قرآن در میان مسلمانان	معیار سکولار شدن	۷
p67,p68,p53,p49,p47,P10 p58,p59	اسلام‌گرایی	مانع سکولار شدن	۸
p25,p26,p29,p9,p3,p2,P1 p24,p22,p43,p42,p41	آیات قرآن سیره معصومان ماهیت جمعی احکام اسلامی (حج و جهاد)	دلایل نقد سکولاریسم	۹
p51,p21,p30,P28	انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی	تجربه عینی و موفق نفی سکولاریسم	۱۰

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۳. توصیف و تفسیر یافته‌ها

مسئله سکولار شدن جهان اسلام در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای تداوم‌گفتمان و اصول مکتب امام خمینی^ع در دوران حفظ و گسترش نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی است: «جوهر اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، رابطه دین و دنیا است؛ یعنی همان چیزی که از آن به مسئله دین و سیاست و دین و زندگی هم تعبیر می‌کنند» (بیانات ۱۳۸۴/۳/۱۴). در تفکر سیاسی و اجتماعی امام خمینی^ع، دیانت و سیاست پیوند عمیق و وثیقی با یکدیگر دارند و امام برای نخستین بار در کتاب کشف الاسرار که در واقع رده‌ای بر کتاب اسرار هزارساله

حکمی زاده بود، با استدلال‌های عقلی و نقلی مدعای صاحب کتاب اسرار هزارساله را مبنی بر اینکه دیانت اسلام و علمای دینی جایگاهی در اداره و مدیریت کشور ندارند نقد و رد می‌کنند (موسوی خمینی، بی تا: ۱۸۰-۱۸۵). با آغاز نهضت انقلابی ملت ایران در دههٔ چهل، زمانی که امام خمینی علیه السلام طی سلسله‌جلساتی در نجف اشرف شروع به تقریر مسئلهٔ حکومت اسلامی کردند، به‌صورت خاص بر عینیت و پیوند دین و سیاست در اسلام تأکید داشتند. امام خمینی علیه السلام در گفتارهای آغازین کتاب حکومت اسلامی به‌صورت ایجابی به پیوند دین و سیاست در اسلام تأکید می‌کنند: «نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۱۱). ایشان در گفتارهای پایانی کتاب به نقد وضعیت عرفی‌شدهٔ جهان اسلام و ابعاد و جوانب آن می‌پردازند و از امت اسلامی می‌خواهند با در پیش گرفتن اسلام‌گرایی، از چنین وضعیتی فاصله بگیرند: «وظیفهٔ ما این است که از حالا برای پایه‌ریزی یک دولت حقهٔ اسلامی کوشش کنیم، تبلیغ کنیم، تعلیمات بدهیم، همفکر بسازیم تا یک جریان اجتماعی پدید آید» (همان: ۱۲۸). با پیروزی انقلاب اسلامی، دین اسلام مبنای حاکمیت سیاسی و اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد و رسماً در اصول قانون اساسی به آن تصریح می‌شود (اصل چهارم قانون اساسی). در دوران ده‌سالهٔ زمامداری و رهبری امام، در سپهر نظر و عرصهٔ عمل همواره بر این مسئله تأکید می‌شود. اهمیت و ضرورت عینیت دین و سیاست در مکتب امام خمینی علیه السلام به میزانی است که امام در وصیت‌نامهٔ سیاسی-اجتماعی خود، خطاب به ملت ایران این مسئله را گوشزد می‌کنند و دربارهٔ نفوذ و گسترش سکولاریسم هشدار می‌دهند (موسوی خمینی، ۱۳۷۳: ۲۲-۲۵). بنابراین، می‌توان گفت خاستگاه و شاکلهٔ ادراک آیت‌الله خامنه‌ای از مسئلهٔ عرفی شدن جهان اسلام، دیدگاه امام خمینی علیه السلام است. در تداوم این جریان فکری، آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی رمز تحقق اهداف انقلاب اسلامی و فائق آمدن بر گفتمان‌های رقیب داخلی و الگوهای رقیب حکمرانی در جهان را در اصل «عینیت و پیوند دین و سیاست» می‌داند. از این رو، تحقق اهداف انقلاب اسلامی در افق تمدن نوین اسلامی را در گرو صیانت و مراقبت از این اصل در گسترهٔ حکمرانی و مدیریت کلان کشور به‌شمار می‌آورند.

این دیدگاه وجه اصلی تمایز جمهوری اسلامی با سایر حکومت‌ها در محتوای اسلامی آن است و چنانچه جهت‌گیری حاکمیت و رفتار دولت‌ها در جمهوری اسلامی مقید به مبانی و اصول اسلامی نباشد، جمهوری اسلامی اسمی بی‌مسمما و همچون عموم حکومت‌های سکولار در دنیا خواهد بود. از این رو، آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که نفوذ و سلطه دوپست‌ساله دولت‌های استعماری و استکباری بر جهان اسلام زمانی محقق شد که جدایی دین و سیاست به‌عنوان اصل به‌صورت باور عمومی بیشتر نخبگان دینی و علمی و همچنین امت اسلامی درآمد. بر اساس دیدگاه رهبر، هدف از صرف هزینه‌های سنگین و تلاش‌های مداوم دشمنان در پیشبرد طرح عرفی شدن، تداوم و تعمیق «سلطه» آن‌ها بر جهان اسلام است. هرچند در طول این سال‌ها جریان نهضت بیداری اسلامی از سیدجمال‌الدین اسدآبادی تاکنون تلاش‌هایی برای بیداری امت اسلامی انجام داده‌اند، در عمل، تنها تشکیل و استقرار حکومت جمهوری اسلامی به‌مثابه تجربه عینی و مصداقی از حکومت اسلامی توانسته است توطئه‌ها و ادعاهای واهی دشمنان اسلام مبنی بر ناکارآمدی حکومت دینی و جدایی دیانت و سیاست را تا حدودی خنثی کند: «وقتی جمهوری اسلامی به‌وجود آمد و انقلاب اسلامی شد، این حرف‌ها همه باطل شد؛ معلوم شد که نخیر، اسلام می‌تواند میدان سیاست را، میدان زندگی را، میدان اداره کشور را، میدان به‌صحنه آوردن مردم با همه توانشان و ظرفیتشان را به بهترین وجهی اداره کند» (بیانات ۱۳۹۷/۴/۲۵). از این رو، هدف‌گذاری تحقق تمدن نوین اسلامی به‌مثابه هدف غایی انقلاب اسلامی در دیدگاه رهبر در واقع حکایت از عالمی دیگر دارد که مهم‌ترین مشخصه آن غیرعرفی بودن جهان اسلام است.

تبیین عرفی شدن در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

بر مبنای نظریه هادی توماس اسپریگنز، محورهای چهارگانه مشاهده بحران، چرایی و علل بحران، جامعه مطلوب و تجویز درمان مسئله عرفی شدن در جهان اسلام ناظر بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به این شرح خواهد بود:

۱. بحران سکولاریسم (انحطاط تمدنی و عقب‌ماندگی جهان اسلام)

آیت‌الله خامنه‌ای چونان طبیعی در مشاهده بی‌نظمی و بحران‌های جهان اسلام، عرفی شدن

یا بودن و رهایی از آن را مشکل اصلی جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران می‌دانند: «ردیف‌های اول [مشکلات جهان اسلام] می‌توان اینها را برشمرد: ترویج جدایی دین از سیاست و معرفی اسلام به‌عنوان یک تجربه فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل حکومت و سیاست و اقتصاد و غیره ندارد» (بیانات ۱۳۷۵/۲/۴).

در پاسخ به چرایی سکولاریسم به‌مثابه بحران جهان اسلام و پیامد آن یعنی عقب‌ماندگی جهان اسلام، باید به زمینه و زمانه شکل‌گیری و چگونگی گسترش آن توجه شود. اساساً دیدگاه متفکران مسلمان تمدن‌گرا، شکوفایی و رونق تمدن اسلامی به‌ویژه در قرن‌های چهارم و پنجم هجری قمری و تجربه رکود و انحطاط آن در دو‌سه قرن گذشته، محصول عوامل معرفتی و غیر معرفتی، و سکولاریسم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آن‌ها، بوده است. می‌توان زمینه‌های بحران سکولاریسم در جهان اسلام را این‌گونه احصا کرد:

الف) زمینه فکری: گرچه مصلحان اجتماعی در دو قرن اخیر همچون سیدجمال و محمد عبده تلاش کردند با شعار بازگشت به اسلام، مسلمانان را در برابر وضعیت تاریخی و عقب‌ماندگی‌شان بیدار کنند، تحجر و جمود فکری از یک‌سو و پذیرش بی‌چون‌وچرای تفکر غربی از سوی دیگر، دو رویکرد اصلی در جهان اسلام بود که از چندی پیش در حیات فکری و اجتماعی مسلمانان ریشه دوانده بود. این در حالی بود که مسلمانان در دوران شکوفایی تمدن اسلامی با تجانس سلاح علم و ایمان، پیش‌گام در پیشرفت و علوم بشری بودند و عملاً ناهمگنی بین دستاوردهای بشری و آموزه‌های وحیانی نمی‌دیدند. به حاشیه رفتن جریان عقل‌گرایی و حاکم شدن ظاهرگرایی در فرورفتن مسلمانان به این خواب تاریخی نقش بسزایی داشته است. دستاوردهای مدرنیته غربی که در بستر رنسانس و رفورماسیون و بر پایه تفکر اومانستی، ماتریالیستی، ساینسیسم و... شکل گرفته بود، چونان تیری «در جهت مقابل تفکر معنوی و دینی» بود و در افکار و زندگی اجتماعی مسلمان رخنه کرد (بیانات رهبری: ۱۳۶۹/۲/۲۲)؛

ب) زمینه اجتماعی: بحران هویت در میان مسلمانان و به‌عبارتی خودباختگی و نداشتن اعتمادبه‌نفس در مقابل سیطره تمدنی غرب زمینه مساعد و مناسب برای دور شدن آن‌ها از واقعیت و حقیقت حیات اسلامی را رقم زد. مسلمانان به‌ویژه روشن‌فکران و فارغ‌التحصیلان

علوم جدید بی‌چون و چرا تسلیم غرب شدند و بر این باور بودند که انسان اروپایی و امریکایی فهیم‌تر از دیگران است و صرفاً حقایق به او الهام می‌شود. این در حالی بود که مسلمانان در دوران شکوفایی تمدن و سیادت علمی، فرهنگی و اجتماعی با اتکا به ایمان الهی، به ظرفیت‌ها و توانایی‌های خویش اعتماد داشتند و خود را مصداق اصل قرآنی «شما از دیگران بالاترید، اگر مؤمن باشید» (آل عمران: ۱۳۹) می‌پنداشتند و بر این اساس، غرب را وام‌دار تمدن اسلامی کردند (دورانت، ۱۳۳۷، ج ۴: ۳۰۲)؛

پ) زمینه سیاسی: فقدان وحدت سیاسی و انسجام اجتماعی در میان مسلمانان ریشه درون‌دینی (اختلاف در تفاسیر متون دینی) و برون‌دینی (اهداف و انگیزه‌های سیاسی، شرایط اجتماعی و تفکر رقیب) داشته و پیامد آن عقب‌ماندگی جهان اسلام بوده است. مسئله جانشینی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تبدیل شدن امت اسلامی به دو گروه شیعه و اهل سنت سرآغاز این امر است. زمامداران اسلامی به تدریج خلافت اسلامی را به سلطنت بدل کردند و با تقدم عنصر نژادی بر ایمان دینی، نظام بین‌الملل اسلامی را به امپراتوری و خلافت عربی تقلیل دادند (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۱). تداوم چنین امری بعدها در رقابت‌های سیاسی بین حکومت‌ها همچون عثمانی‌ها و صفویان نمود بیشتری یافت. ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مسلمانان به جای اینکه صرف هم‌افزایی و گسترش و رونق تمدنی شود، به نزاع‌ها، برادرکشی‌ها و جنگ‌های داخلی همچون جنگ چالدران منتهی شد. جنگ‌های خارجی همچون حمله وحشیانه مغولان به سرزمین‌های اسلامی و جنگ‌های دوپست‌ساله صلیبی روند اضمحلال تمدنی را تسریع کرد. فساد، تجمل‌پرستی و عیش و نوش که از همان آغاز حکومت امویان در میان درباریان روی داد، اسباب تضعیف جامعه اسلامی شد. زمینه‌های سیاسی گفته‌شده به تدریج منجر به قطع ارتباط مدنیت اسلامی با جهان خارج شد و مسلمانان با انزوای فاقده خلاقیت و ابداع شدند و در نتیجه، آن تمایلات تجزیه‌طلبی و تعصب‌گرایانه رشد یافت (زرین‌کوب، ۱۳۹۵: ۳۰).

۲. علل و ریشه بحران سکولاریسم (استعمار، استبداد و غرب‌زدگان)

آیت‌الله خامنه‌ای ریشه بحران و علت‌العلل مشکل عرفی شدن در جهان اسلام را تلاش

استعمار، حکام مستبد داخلی و روشن‌فکران غرب‌زده می‌دانند. به باور ایشان، طرح سکولار کردن جهان اسلام در قالب ترویج جدایی دین و سیاست، به دلیل هراس از اسلام سیاسی است؛ چراکه التزام مسلمانان به آموزه‌های اسلامی مانع سلطه دشمنان بر مسلمانان و چپاول ثروت آن‌ها خواهد شد. از این رو، استکبار جهانی و دول استعمارگری چون امریکا و انگلیس با همراهی و مساعدت رژیم‌های حاکم و مستبد داخلی و همچنین روشن‌فکران غرب‌زده از بازیگران و عوامل پیشبرد طرح عرفی شدن جهان اسلام در قالب ابزارهای تبلیغاتی، علمی، مدیریتی و سیاسی بوده‌اند. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای، چنین طرحی در متون برجای مانده از عهد ناصری تاکنون پیشینه تاریخی دارد. گرچه وقوع انقلاب اسلامی خط بطلانی بر تلاش‌های دو‌یست‌ساله عواملان عرفی شدن جهان اسلام بوده، باید توجه کرد که رخنه و نفوذ گرایش‌های سکولاریستی در سطوح مختلفی عینیت یافته است. در دوره جمهوری اسلامی مصادیق فکری و رفتاری سکولاریسم را می‌توان در عملکرد برخی کارگزاران دولتی، مواضع سیاسیون و دستاوردهای علمی دانشگاهیان و حوزویان و تولیدات هنری (فیلم و...) دید:

فکر وحدت دین و سیاست را هم در تفقه و هم در عمل دنبال نکنید. آقایان بدانند که فکر جدایی دین و سیاست به‌عنوان یک آفت، به کلی ریشه‌کن نشده است. متأسفانه هنوز در حوزه‌ها کسانی هستند که خیال می‌کنند حوزه باید به کار خودش مشغول بشود، اهل سیاست و اهل اداره کشور هم مشغول کار خودشان باشند (بیانات، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای، چنین مصادیقی در دیگر کشورهای جهان اسلام که برخوردار از حاکمیت سیاسی و اجتماعی اسلامی نیستند عمیق‌تر و حتی گسترده‌تر است. استعمار در روند عرفی شدن جهان اسلام نقش بسزایی داشته است. توسعه و رشد علوم در غرب و تسلط آن‌ها بر آن، زمینه‌ای فراهم ساخت که حکومت‌های غربی توفیق و برتری علمی را در راستای سلطه جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی به کار گیرند. توفیق استعمار در پیشبرد اهداف استعماری در جهان اسلام از طریق سیاست‌های تبلیغاتی همچون جدایی دین از سیاست انجام گرفت. مسلمانان به تدریج با فاصله گرفتن از التزام به آموزه‌های

اسلامی در عرصه اجتماع و سیاست، اسباب نفوذ و سلطه استعمار و عقب‌ماندگی خود را رقم زدند. استعمارگران با دلایل تجاری، تبلیغی، بهداشتی یا نوسازی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم وارد جهان اسلام شدند و به غارت منابع طبیعی آن‌ها پرداختند. در دو قرن اخیر، با اکتشاف نخستین چاه‌های نفت در قلمرو سرزمینی تمدن اسلامی، حضور استعمارگران جدی‌تر، و نقطه عزیمتی بر نهادینه شدن فرهنگ غربی و شروع عقب‌ماندگی جهان اسلام شد. استعمارگران با سلطه و نفوذ سیاسی، دست‌نشانندگان و مزدوران خود را به قدرت رساندند و بر کشورها مسلط شدند یا با تفرقه‌افکنی، تبلیغات سوء، تقویت مخالفان و ایجاد ناامنی، با حکومت‌های مستقل مخالفت کردند. سیاست‌های تفرقه‌افکنانه و تجزیه‌طلبان به جد توسط دولت‌های استعمار در دنیای اسلام به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم دنبال شد و طی آن کشورهای قدرتمند و اثرگذار همچون امپراتوری عثمانی به دولت‌های کوچک، ضعیف و وابسته تبدیل شدند.

در کنار استعمار، استبداد داخلی نیز تسریع‌کننده و تسهیل‌کننده روند عرفی شدن جهان اسلام بوده است. از همان سده اول هجری انحراف حکومت و حکمرانی از مدار اسلام حقیقی زمینه روی کار آمدن حکومت‌های موروثی را فراهم ساخت. تداوم رفتار و عملکرد این حکومت‌ها منوط به حاکم شدن قرائتی خاص از اسلام بود که زمینه استبداد سیاسی و فراتر از آن، استبداد دینی را به وجود آورد؛ قرائتی که از درون زمینه‌های نظارت عمومی بر قدرت و مخالفت با حاکمان و قیام ضد آن‌ها را تجویز نمی‌کرد. همچنین، ناکارآمدی استبداد در مواجهه با مظاهر تمدن غرب گاهی موجب سرخوردگی مسلمانان و عامل دین‌گریزی، دین‌زدایی و دین‌ستیزی بوده است. حاکمان مستبد در جهان اسلام همچون آتاترک در ترکیه و رضاشاه در ایران، عملاً برای پیشبرد اهداف خود و در قالب مدرنیزاسیون مخالفت با دین و نمادهای دینی را سرلوحه کار خود قرار دادند و چون با مخالفت جریان اسلام سیاسی مواجه می‌شدند، ضمن در پیش گرفتن سیاست تطمیع، تهدید و سرکوب، به ترویج دیدگاه‌های رقیب (دیدگاه‌های سکولار غربی) یا تقویت دیدگاه‌های همسو (اسلام سنتی و محافظه‌کار) و انحرافی (پاکدینی، بهائیت و قرآنیون) می‌پرداختند.

همچنین، در روند عرفی شدن، جریان روشن‌فکر غرب‌زده راهکار برون‌رفت از

عقب‌ماندگی را غربی شدن می‌داند و در نظر و عمل بر آن تأکید دارد. این روشن‌فکران از دو قرن گذشته در جهان اسلام با نقد دین و دین‌داری، ترویج تفکر، فرهنگ و آداب و رسوم غربی را پیشه خود قرار دادند و ضمن ترغیب مسلمانان به روی‌گردانی از سنت اسلامی، به حمایت از تشکیل و استمرار نظام‌ها و دولت‌های سکولار و همچنین سیاست‌های استعمارگران پرداختند. در دوران مشروطه روشن‌فکرانی چون ملک‌خان، آخوندزاده و آقاخان کرمانی به صراحت به تقدس‌زدایی از دین، ترویج سکولاریسم و حتی دین‌ستیزی مبادرت کردند (مریجی، ۱۳۸۴: ۲۵۰-۲۵۶). تداوم جریان روشن‌فکر غرب‌زده را که منادی سکولاریسم هستند، همچنان در حیات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی می‌توان پیگیری کرد:

بعد از انقلاب تا امروز، شاید بیشترین حمله‌ای که به اصول فکری سیاسی نظام جمهوری اسلامی شده است، حمله به همین «عدم انفکاک دین از سیاست» است. همه‌جای دنیا به این حمله کردند؛ امروز هم حمله می‌کنند. امروز کسانی در اطراف دنیا نشستند، کتاب می‌نویسند، مقاله می‌نویسند، به زبان‌های مختلف و در محیط‌های دور از ایران و در همه‌جای جهان، گفتار تلویزیونی ارائه می‌کنند، برای اینکه ثابت کنند دین از سیاست جداست (بیانات ۱۳/۲/۱۳۷۶).

۳. بازسازی جامعه مطلوب (جامعه اسلامی)

آیت‌الله خامنه‌ای با نقد عرفی شدن جهان اسلام و نفی جامعه سکولار، جامعه مطلوب و آرمانی را جامعه اسلامی و تحقق آن را منوط به حیات طیبه و برون‌رفت از جاهلیت مدرن می‌داند. بر اساس این دیدگاه، جامعه مطلوب و آرمانی جامعه‌ای است که در آن حکومت اسلامی اداره جامعه را برعهده گرفته است و دولت اسلامی می‌کوشد با التزام به باور، اخلاق و رفتار اسلامی، در راستای تحقق حیات طیبه گام بردارد. در این دیدگاه، حیات طیبه به معنای همه چیزهایی است که «بشر برای بهزیستی خود، برای سعادت خود به آن‌ها احتیاج دارد» (بیانات ۱۳۹۴/۶/۲۵). براین اساس، عزت ملی، استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان، رفاه، عدالت، نشاط، علم و فناوری، معنویت، رحم، خلیقات اسلامی، سبک زندگی اسلامی، امنیت و نظم همگی از مصادیق و نشانه‌های حیات طیبه هستند (نادری،

۱۳۹۵: ۴۲). در این دیدگاه، تحقق حیات طیبه منوط به اتخاذ راهبردهای چهارگانه معنوی (حاکمیت اسلام)، مادی (افزایش قدرت ملی)، پیش‌گامی در تمدن (مدنیت جهانی) و علم (دانش جهانی) است که در بستر تمدن نوین اسلامی فراهم می‌شود (قربانی و نادری، ۱۳۹۹: ۱۵۲). در نگاه ایشان، گام‌های پنج‌گانه یعنی انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تحقق دولت اسلامی، شکل‌گیری جامعه اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی در مسیر و جهتی خلاف عصر سکولار خواهد بود و باید در این مسیر، برای طراحی عالمی جدید تلاش کرد؛ امری که با تربیت نسلی انقلابی، نخبه، «شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور» ممکن خواهد شد (بیانات ۱۳۹۵/۷/۲۸).

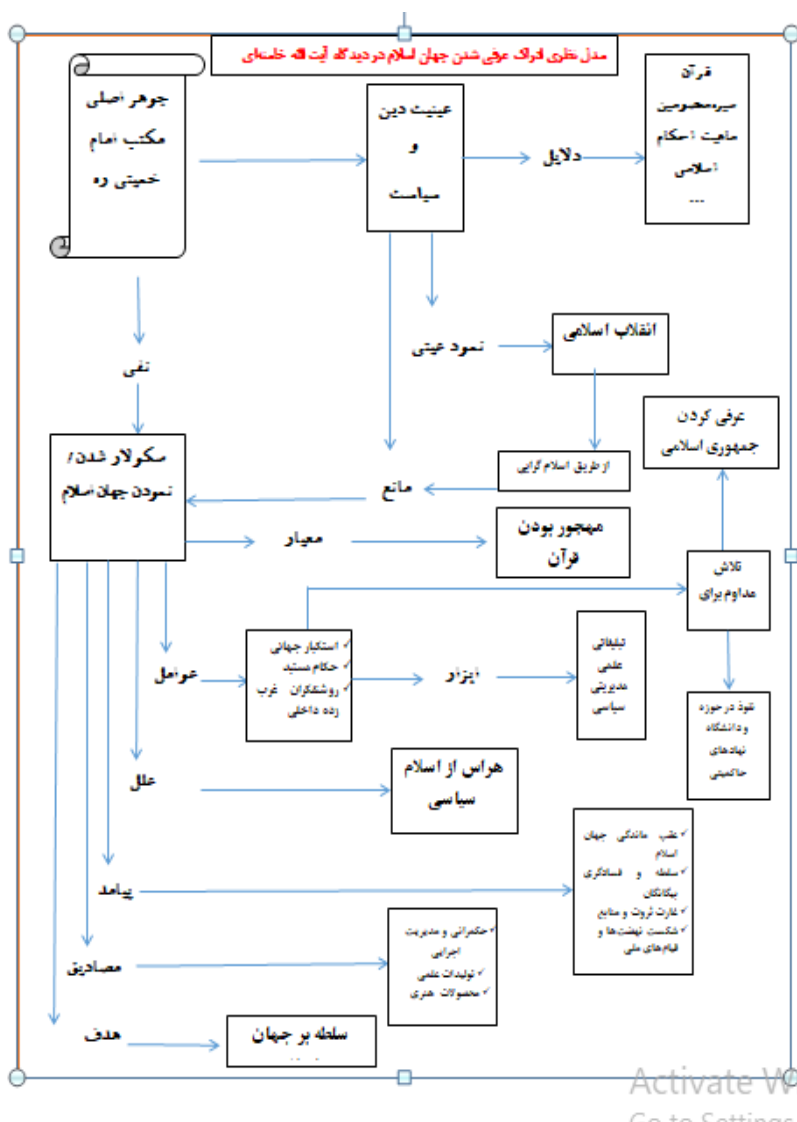
۴. راهکار و درمان بحران سکولاریسم (اسلام سیاسی)

راهکار و تجویز درمان، چهارمین گام پیشنهادی اسپریگنز در ادراک تفکر و نظریه است. در دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، التزام فکری به گفتمان اسلام سیاسی و تقید عملی به آن، راهکار برون‌رفت و گذر از وضع موجود عرفی شده جهان اسلام و رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی است. دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در نقد سکولاریسم صرفاً به تجویزهای عملی ختم نمی‌شود، بلکه به پیروی از امام درصدد گفتمان‌سازی و مرزبندی اسلام حقیقی از اسلام‌های غیرحقیقی هستند. به باور ایشان، اصل «جدایی ناپذیر بودن اسلام و سیاست» یکی از مرزهای شناخت گفتمان اسلام ناب محمدی ﷺ از اسلام امریکایی است (بیانات ۱۳۶۸/۴/۱۴). آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به آیات قرآن و سیره نبوی در تشکیل حکومت در مدینه‌النبی، باور به نفی سکولاریسم در اسلام را از بنیان‌های معرفت دینی می‌دانند (بیانات ۱۳۸۵/۵/۳۱).

معیار و سنجه آیت‌الله خامنه‌ای در عرفی شدن و عرفی رفتار کردن جهان اسلام، «مهوریت قرآن» است: «اتخذوا هذا القرآن مهوراً»، به این معنا که قرآن در یک جامعه تلاوت شده و احترام ظاهری می‌شود، اما به احکام آن عمل نمی‌کنند و به بهانه جدایی دین از سیاست، حکومت را از قرآن سلب می‌نمایند» (بیانات ۱۳۷۳/۶/۴). بر مبنای این دیدگاه، از آنجاکه دستورها و احکام سیاسی و اجتماعی قرآن در جهان اسلام اجرا نمی‌شود و

رفتارهای غیراسلامی دایرمدار جهت‌گیری مسلمانان در مناسبات داخلی و بین‌المللی است، می‌توان گفت اکنون جهان اسلام سکولار است و لازمهٔ برون‌رفت از آن برگشت دوباره و محوریت یافتن پیام و احکام قرآن کریم در مواضع و رفتار سیاسی و اجتماعی مسلمانان خواهد بود.

در این میان، رهبر نقش و جایگاهی خاص برای «جمهوری اسلامی» در این معرکهٔ جهان‌بینی‌ها قائل هستند: از یک‌سو، به اعتقاد ایشان، شاه‌بیت دشمنی استکبار جهانی با جمهوری اسلامی به دلیل الگو و تجربهٔ موفق حکمرانی دینی است که ضمن التزام به جهت‌گیری و رفتار اسلامی در سطح کلان بر ملاکنندهٔ طرح شعار واهی جدایی دین و سیاست برای امت اسلامی و خنثی‌کنندهٔ نقش‌های دشمنان است و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی توانسته است طرف‌داران و افکار عمومی مسلمانان را دربارهٔ خطر و تهدید عرفی شدن، بیدار و آگاه کند و با ارائهٔ راهکارهایی چون اتکا بر ظرفیت‌های درونی و داخلی و تأکید بر نقش خواص سیاسی، نخبگان فکری و همچنین ضرورت حضور و نقش‌آفرینی اهالی دیانت در سیاست و اجتماع، دشمنی‌ها با اسلام سیاسی را خنثی سازد.



نمودار ۲: مدل نظری ادراک عرفی شدن جهان اسلام از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه گیری

موج عرفی شدن جوامع و دولت‌ها از پیامدهای مدرنیته است که در دوره معاصر، دامنه تأثیر و تأثرات آن نه تنها جوامع غربی، بلکه شعاع گسترش و نفوذ آن جهان اسلام را دربرگرفته است. از دو قرن پیش تاکنون نخبگان فکری و فعالان سیاسی جهان اسلام مواضع و

دیدگاه‌های مختلفی در این باره داشته‌اند و طیف دیدگاه‌ها و اقداماتی که در این باره مطرح و انجام شده است، از پذیرش عرفی شدن جهان اسلام به عنوان سرنوشت مختم تا مقاومت در مقابل این پدیده را در بر می‌گیرد. شناخت ادراک رهبر انقلاب اسلامی درباره موج گسترش و نفوذ عرفی شدن جهان اسلام به دلیل موقعیت و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در جهان اسلام لازم و ضروری است. در دیدگاه رهبر، عرفی شدن جوامع اسلامی در عصر کنونی امری وارداتی و تقلیدی و عمدتاً ناشی از اقدامات استعمارگران و روشن‌فکران داخلی است. با این حال، بر اساس این دیدگاه می‌توان خلاف حرکت عصر سکولار، طرح عالمی جدید، تمدن نوین اسلامی، افکند و آن را محقق کرد. از این رو، وقوع انقلاب اسلامی پاسخ و عکس‌العملی مناسب و شایسته در مقابل دیدگاهی است که عرفی شدن را به مثابه سرنوشت مختم جهان معاصر می‌داند. در این دیدگاه، گرچه جمهوری اسلامی می‌تواند آغازی بر پایان ماجرای عرفی شدن جهان اسلام باشد، باید توجه کرد تهدید عرفی شدن همچنان مهم‌ترین مشکل فکری و عملی جمهوری اسلامی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی است که هرگونه بی‌مبالاتی و بی‌توجهی به آن، شکست جبران‌ناپذیری برای گفتمان اسلام سیاسی در پی خواهد داشت. کارآمدی جمهوری اسلامی به مثابه حکومتی که داعیه حکمرانی دینی و پاسخ‌گویی اسلامی به انتظارات و نیازهای انسان مدرن دارد مهم‌ترین مانع عرفی شدن و گسترش اسلام سیاسی جهان اسلام به شمار می‌آید. در این راستا، عقلانیت برآمده از انقلاب اسلامی حکم می‌کند با حفظ جهت‌گیری اسلامی جمهوری اسلامی، کارآمدی حداکثری محور اجماع نخبگانی و رفتار سیاسی و مدیریتی قرار گیرد. در پایان می‌توان پیشنهادهایی ارائه داد:

۱. ضرورت طراحی، معرفی و عملیاتی کردن سبک زندگی اسلامی باید بیش از پیش مورد توجه تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و دولتمردان قرار گیرد. بدون وجود الگوی رقیب، کارآمد و عملیاتی، سبک زندگی غربی بر بافت اجتماعی مسلمانان حاکم خواهد شد؛
۲. به خوانش اسلام سیاسی باید مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی به‌ویژه در سطح ملت‌های مسلمان در قالب دیپلماسی عمومی توجه شود؛
۳. کارآمدی نظام جمهوری اسلامی مهم‌ترین عامل در نقد سکولاریسم و جلوگیری از

عرفی شدن است. بنابراین، کارآمدی بیش از هر زمانی باید به طور مستمر در ابعاد مختلف مورد توجه حاکمیت قرار گیرد.

کتابنامه

- بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵). «عوامل پیدایی و پایایی سکولاریسم در جهان مسیحی»، نشریه علمی دانش سیاسی، س ۲، ش ۴، پاییز و زمستان، ص ۳۶-۳۸.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۸۰). فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجائی، تهران، آگه.
- اکبری، مریم و مهدی نادری (۱۳۹۸). «لایه‌های فکری و نمودهای اجتماعی چالش سکولاریسم با اسلام تمدن‌گرا در جمهوری اسلامی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، س ۲، ش ۱، بهار، ص ۲۹-۴۷.
- _____ (۱۳۹۸). «لایه‌های فکری و نمودهای اجتماعی چالش سکولاریسم با اسلام تمدن‌گرا در جمهوری اسلامی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، س ۲، ش ۵، بهار، ص ۲۹-۴۹.
- امامی، سیدمجید (۱۳۹۲). «چارچوبی انتقادی برای سیاست‌پژوهشی مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران منطبق بر نظریه و الگوی عرفی شدن جامعه ایران»، اسلام و مطالعات اجتماعی، س ۱، ش ۱، تابستان، ص ۱۱۵-۱۳۵.
- امیدی، مهدی (۱۳۸۷). «چالش‌های سکولاریستی و حیطة عمل حکومت اسلامی»، فصلنامه معرفت، ش ۱۲۴، فروردین، ص ۲۳-۳۶.
- ایمانی، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، عیار پژوهش در علوم انسانی، س ۳، ش ۶، پاییز و زمستان، ص ۱۵-۴۴.
- پیربداقی، فاطمه (۱۳۸۸). «رویکردهای میرینگ در فرایند تحلیل محتوای کیفی»، ماهنامه پیام پژوهش، س ۹، ش ۹۲، آذر، ص ۱-۴.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). نسبت دین و دنیا: بررسی و نقد نظریه سکولاریسم، قم، اسراء.
- داوری، محمد (۱۳۸۸). «غلبه نگاه کارکردی به دین: عامل تقویت دین یا زمینه‌ساز عرفی شدن در جامعه ایران؟»، فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، س ۱، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۶۷-۱۹۸.

تحلیل عرفی شدن در جهان اسلام از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (ره) - مهدی نادری (۴۲-۱۲) / ۴۱

- دورانت، ویلیام (۱۳۳۷). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران، اقبال.
- دیبح‌زاده، علی‌نقی (۱۳۹۲). «امام خمینی (ره) و اتخاذ رویکرد کلامی در به چالش کشیدن گفتمان سیاسی سکولار»، فصلنامه معرفت سیاسی، س ۵، ش ۱، بهار و تابستان، ص ۳۹-۶۰.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، سهامی انتشار.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۵). کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). بسط تجربه نبوی، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶). پژوهش در علوم سیاسی: رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی، تهران، دانشگاه امام صادق (ره) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۵). «مسیرهای محتمل در عرفی شدن ایران»، جامعه‌شناسی ایران، س ۷، ش ۱، بهار، ص ۳۰-۶۵.
- عابد جابری، محمد (۱۳۹۸). دموکراسی و حقوق بشر، تهران، مروارید.
- عیوضی، محمدرحیم و ولی محمد احمدوند (۱۳۸۷). «دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) درباره مبانی سکولاریسم»، فصلنامه فرهنگ-ارتباطات، س ۱۰، ش ۶، تابستان، ص ۱۰۱-۱۱۸.
- فرانکفورد، چاوا و دیوید نچمیاس (۱۳۸۱). روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران، سروش.
- قربانی، فاطمه و مهدی نادری (۱۳۹۹). «الزامات و موانع فکری-سیاسی سعادت‌مندی جامعه در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، س ۸، ش ۱۶، بهار و تابستان، ص ۱۳۱-۱۵۸.
- کچوییان، حسین (۱۳۸۴). «سکولاریزم و حکومت دینی: بررسی انتقادی یک نظریه»، نشریه علوم سیاسی، س ۸، ش ۴، زمستان، ص ۲۷-۷۴.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۷). «روش کیفی»، در: رهیافت و روش در علوم سیاسی، به اهتمام عباس منوچهری، تهران، سمت.
- مریجی، شمس‌الله (۱۳۸۷). «پیش‌قراولان سکولاریسم در ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۸، ش ۳۲، زمستان، ص ۲۴۵-۲۶۰.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدا.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۳). وصیت‌نامه سیاسی-الهی امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

_____ (۱۳۷۹). حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ❁

_____ (۱۳۸۵). صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی. ❁)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی. ❁

_____ (بی‌تا)، کشف الاسرار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ❁

مؤمنی راد، اکبر (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار

نتایج»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، س ۴، ش ۱۴، زمستان، ص ۱۱۸-۱۲۲.

میراحمدی، منصور (۱۳۸۴). «سکولاریسم اسلامی؛ امکان یا امتناع مفهومی»، رهیافت‌های

سیاسی و بین‌المللی، س ۲، ش ۷، پاییز و زمستان، ص ۱۶۵-۱۹۳.

نادری، مهدی (۱۳۹۵). «مدل نظری حیات طیبه به‌مثابه آرمان انقلاب اسلامی در اندیشه

سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (بر اساس روش تئوری داده‌بنیاد)»، پژوهش‌نامه انقلاب

اسلامی، س ۶، ش ۲۰، پاییز، ص ۴۱-۵۶.

هاشمی، سیداحمد (۱۳۹۶). «سکولاریسم»، دانشنامه جهان اسلام، ش ۲۴.

Mayring, Philipp (2000). "Qualitative Content Analysis Forum", *Qualitative Social Research*, v. 1,

no. 2, June.

Taylor, Charles (2007). *A Secular Age*, Harvard University Press.